

خبر

قفل انبوه‌سازان ۱۰۰۰۰ مسکن مهر

● **تسنیم:** درحالی اعضای جدید هیئت‌مدیره انجمن انبوه‌سازان تهران انتخاب شده‌اند که درخواست افزایش قیمت خارج از چارچوب‌ها باعث شده ۱۰ هزار مسکن مهر پردیس با پیشرفت ۷۰درصدی متوقف شود، آیا اعضای جدید رویه رئیس و اعضای قبلی در قفل‌کردن این واحدها را ادامه می‌دهند.
محتشم، رئیس قبلی انجمن انبوه‌سازان استان تهران و عضو علی‌البدل کنونی این انجمن، فروردین‌ماه امسال دراین‌باره به تسنیم گفته بود: «برای اتمام واحدهای مسکن مهر پردیس ۴۰۰ میلیارد تومان پول نیاز است. او گفته بود: پیشرفت ۱۰ هزار واحد مسکن مهر انبوه‌سازان ۷۰ درصد است که در صورت تزریق نقدینگی تا شهریور یا بهمن امسال به اتمام می‌رسد».
در ماه‌های اخیر در شهر پردیس افتتاح‌های متعددی در فازهای ۸، ۱۱، (دره‌بشت) و حتی فاز فراموش‌شده ۹ قدیم صورت گرفته و واحدهایی نیز به متقاضیان مسکن مهر تحویل داده شده، اما برخلاف مفاد پیش‌قراردادهای طرح مهر انبوه‌سازان در فاز ۹ جدید ۵ انجمن انبوه‌سازان هنوز نتوانسته‌اند یک واحد را تکمیل کنند و تحویل دهند.
بهانه این انجمن نیز که بارها مطرح شده افزایش قیمت نهاده‌های ساختمانی و البته مسائل و مشکلات بلندمرتبه‌سازی بوده است.
رؤسای قبلی این انجمن دستورالعمل‌های سه‌گانه افزایش مسکن مهر را کافی ندانسته و خواستار افزایش قیمت بالاتر از رقم این دستورالعمل‌ها (حدود ۱۱۰ هزار تومان برای هر مترمربع) شده‌اند.
موضوع درخواست افزایش قیمت ساخت واحدهای مسکن مهر انبوه‌سازان استان تهران تاکنون با مقاومت شرکت عمران شهرهای جدید ایران مواجه شده است.
مدیرعامل این شرکت دراین‌باره به تسنیم گفت: متأسفانه انبوه‌سازان برخلاف مفاد قراردادهای مسکن مهر درخواست افزایش قیمت دارند که این زیاده‌خواهی است.
محسن نریمان افزود: برای حل مشکل موجود جلسات متعددی با انبوه‌سازان برگزار شده و به دنبال حل این مسئله هستیم. درحال‌حاضر ساخت ۱۰ هزار مسکن مهر پردیس قفل شده است.

بخت خانگی ایرباس در برابر بوئینگ!

● **باشگاه خبرنگاران:** شرکت بوئینگ با ثبت ۴۴۳ مورد سفارش خرید در حاشیه نمایشگاه هوایی پاریس، در صدر فهرست پر فروش‌ترین شرکت‌های هواپیماسازی جهان قرار گرفت و گوی سبقت را از ایرباس در خانه خود ربود.
سه گزارش رویترز، درحالی‌که شرکت بوئینگ با ثبت ۴۳۳ مورد سفارش خرید در حاشیه نمایشگاه هوایی پاریس، در صدر فهرست پر فروش‌ترین شرکت‌های هواپیماسازی جهان قرار گرفت. شرکت فرانسوی ایرباس در خانه خود فقط توانست تقاضنامه فروش ۳۲۶ فروند هواپیمای مسافربری جدید را با مشتریان خارجی خود امضا کند.
از میان ۳۲۶ هواپیمای ثبت سفارش‌شده ایرباس نیز ۱۳ فروند از سوی دو شرکت هواپیمایی خصوصی در ایران سفارش داده شده‌اند. بوئینگ ۷۳۷ مکس تا این لحظه پر فروش‌ترین هواپیمای مسافربری نمایشگاه هوایی پاریس ۲۰۱۷ لقب گرفته است.

پیش‌بینی مالک علی‌بابا

● **مهر:** سی‌ان‌بی‌سی نوشت: مالک «علی‌بابا» در تازه‌ترین پیش‌بینی خود از سه دهه آینده گفت: میزان ساعت کاری افراد به تقریباً ۱۶ ساعت در هفته کاهش پیدا می‌کند و اتوماسیون تأثیر بسزایی روی نیروی کار می‌گذارد. «جک ما»، مالک فروشگاه بزرگ اینترنتی «علی‌بابا»، در مصاحبه‌ای با این شبکه آمریکایی گفت: از حالا به بعد تا سه دهه آینده مردم ساعات کاری کمتری را صرف خواهند کرد. وی تصریح کرد مردم فقط چهار ساعت در روز و احتمالاً چهار روز در هفته کار کنند. «جک ما» در ادامه گفت: پدربزرگ من ۱۶ ساعت در روز روی زمین کشاورزی کار و فکر می‌کرد بسیار مشغول کارکردن است و امروز هم ما روزی هشت ساعت و پنج روز در هفته کار می‌کنیم و در این باور هستیم که بسیار مشغول انجام فعالیت هستیم. این در حالی است که پیش‌بینی «جک ما» مطابق با پیش‌بینی «جان مینارد کینیز»، اقتصاددان بزرگ بریتانیایی، است که پیش از این برآورد کرده بود با اتوماسیون‌شدن کارها و جایگزین‌شدن آن روی نیروی کار انسانی، میزان ساعت کاری در سال ۲۰۳۰ میلادی در هفته تقریباً به ۱۵ ساعت کاهش پیدا می‌کند. همچنین مالک «علی‌بابا» گفت: افراد ثروتمند، فقیر، کارفرمایان و کارمندان همگی به طرز قابل‌توجهی تحت‌تأثیر اتوماسیون قرار می‌گیرند. وی خاطرنشان کرد اولین انقلاب فناوری منجر به جنگ جهانی اول شد و دومین انقلاب فناوری، جنگ جهانی دوم را به همراه داشت و اتوماسیون هم سومین انقلاب فناوری است. «جک ما» در پایان گفت: پیش‌بینی می‌شود تا سه دهه آینده مردم قادر به مسافرت به مقاصد بسیار بیشتری در مقایسه با امروز باشند.

ادامه از صفحه ۴

دولت‌های کارآمد و باکفایتی بودند؛ ولی چون خوب نبودند، به کژراهه رفتند؛ طوری که اولی به استبداد کبیر کشانده شد و دومی سر از فاشیسم خونین درآورد. اینکه گفتیم خوب نبودند، به این معناست که آنها اعتقاد و التزامی به ارزش‌های اخلاقی و انسانی نداشتند و به حقوق بنیادین انسان‌ها بی‌اعتنا بودند. قدرت باید نقد شود. قدرت را باید پایید. قدرتی که پایش نشود، فساد می‌آفریند و با آن، زوال می‌یابد. ازجمله وظایف ذاتی دولت مدرن، ظرفیت‌سازی برای ایجاد یا تقویت نهادهای جامعه مدنی است. جامعه مدنی هرچند نوعا و ضرورتا مستقل از دولت است، ولی چون وجود آن به نفع مردم است، طبعا به نفع دولت مردمی هم هست. جامعه مدنی با پایش دولت مستقر، هر ضعف و نقصی را که در کار می‌بیند، گوشزد می‌کند و جایی که مسئله بیش از اینهاست، فریاد می‌کشد و آن دولت را وادار می‌کند تا درصد رفع اشکال برآید.

تولید «کالاهای عمومی» شامل امنیت، دفاع، امور حاکمیتی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی، وظیفه ذاتی هر دولتی است و دولت مدرن مقید به آن است؛ یعنی بیش از این جلوداری نمی‌کند و فعالیت‌های اقتصادی ورای این و تصدی‌گری‌های ناظر بر آن به بخش خصوصی واگذار می‌کند. درست است که در کشور ما بخش خصوصی نحیف است؛ اما دولت نمی‌تواند به این دلیل، فعال مایشاء اقتصادی باشد و یک‌هتازی کند. همان‌طور که عرض کردم، دولت مدرن در راستای انجام مأموریت ذاتی خود مبنی بر ظرفیت‌سازی، باید برای ایجاد بخش خصوصی توانمند بسترسازی کند؛ طوری که خود فعالان اقتصادی و کارآفرینان خوشنام و مجرب، به نهادهی‌شدن بخش خصوصی کارآمد و پارلمان خصوصی سرآمد همت گمارند. متأسفانه ما تا امروز پارلمان خصوصی واقعی و مستقل نداشته‌ایم.

❧ از «به‌زامداری» یا به عبارتی «دولت به‌علاوه» صحبت کردید و فکیتید که این دولت سه‌ضلعی است. به فرض اینکه دولت دوازدهم توانست ضلع دولت کارآمد این مثلث باشد؛ اما مشکل این است که یک دولت سایه که همان اصولگرایان صاحب قدرت باشند هم وجود دارد که مخالف سیاست‌های دولت مستقر است. آیا آنها ساکت می‌نشینند تا دولت دوازدهم توفیق

یابد؟

اگر مقصود از دولت سایه، نهادی است که مثلا در انگلیس وجود دارد و همین‌حالا حزب کارگر در آن مقام قرار دارد؛ باید بگویم ما فاقد آن هستیم؛ چراکه ما به آن معنا حزب سیاسی نداریم؛ اما اگر بخواهیم با مراجعه به مفهوم بار معنایی «دولت سایه» آن را تفسیر موسع کرده و به کارکرد آن توجه کنیم، باید بگویم که در غیاب احزاب سیاسی، شاید کموبیش سایر تشکل‌ها و نیز سرمایه‌های اجتماعی به‌عنوان نهادهای مدنی بتوانند نقش دولت سایه را بازی کنند؛ اما «اصولگرایی» نه حزب سیاسی است که بتوان نام دولت سایه را به آن داد، نه با جامعه مدنی نسبتی دارد. «اصولگرایان» به مبانی فکری و چارچوب مفهومی جامعه مدنی اعتقادی ندارند و به مصادیق گفتمانی آن، مانند شایسته‌سالاری، شفافیت، پاسخ‌گویی، جواب‌دهی و از این قبیل، التزامی ندارند. این در حالی است که دولت سایه از بطن جامعه مدنی برمی‌آید و فلسفه وجودی آن، پایش دولت مستقر و نقد قدرت است. آنچه در سپهر سیاست داخلی، «اصولگرایی» نام گرفته، رقیب و جایگزین بالقوه‌ای برای دولت نیست. اصولگرایی که نه بامسما است و نه شخصیت حقوقی معینی دارد، از نفس افتاده و شمارش معکوس حیات سیاسی آن آغاز شده است.

اصولگرایان و قبل از آن، «محافظه‌کاران» در این دو، سه دهه نشان دادند که قدرت بازتولید ندارند و عقیم می‌نمایند. ریزش چندانی نکرده‌اند؛ ولی رویش هم نداشته‌اند. وجود چندجالی آنها در سپهر سیاست داخلی بیشتر ناشی از نبود رقیبی قدر بوده است. انکار به‌طوری نامناسب و غیرمنصفانه، امکانات عمومی زیادی را در اختیار داشته و دارند. باوجوداین آنچه از اصولگرایان باقی مانده در حدی هست که بتوانند عملیات ایدایی انجام دهند. میزان و وسعت این نوع عملیات بستگی به عملکرد دولت هم دارد. آنها را نابهنجاری و کنش سوء دولت را دستمایه انجام عملیات ایدایی قرار می‌دهند و در برابر آن واکنش نشان می‌دهند.

❧ بحث مدیریت را پیش از کشیدیم. به نظر شما آیا شرایط این فرصت را می‌دهد که هر شخص توانمندی بر سر کار آید؟ قیلا شاهد بودیم که برخی تکنوکرات‌ها از راهیایی به دولت باز ماندند. آیا امیدی هست که آقای روحانی بتواند این بخش از تکنوکرات‌ها را وارد کابینه جدید خود کند یا خیر؟

موقعیت دولت دوازدهم با دولت یازدهم فرق

اقتصاد

روحانی مانع «هزار فامیلی» شود



عکس: امیر هکمتی، شرق

که از قضا میلیون‌ها رای پشت سرشان بوده، تغییر بدهند.

این بستگی به خود مدیر دارد. اگر مدیر پایمردی کند، وضعیت به گونه‌ای دیگر رقم خواهد خورد. خداوند به پیامبر (ص) خطاب کرد: فاستقم کما امرت. استوار باش همان‌گونه که مأمور شده‌ای. مدیری که با فشار باطیل میدان را برای آنان خالی می‌کند، موجب می‌شود که باطل در باطل خود مجتمع شود و حق در حق خود، متفرق! اینجا نطفه فساد بسته می‌شود. اگر مدیران سالم و توانمند که پشتوانه مردمی را هم با خود دارند، استقامت کنند، کدام لابی می‌تواند آنان را از سر راه بردارد؟ ضمن اینکه نهاد دولت هم باید بند تسبیح باشد و کارگزاران خود را مانند مهره‌های تسبیح به هم وصل کند. آن موقع، مافیای قدرت هم یساری مقابله با آنان را نخواهد داشت.

❧ فکر می‌کنید آقای روحانی در چینش اعضای کابینه تسلیم هیچ فشاری نخواهد شد؟ ایشان چقدر به آرای که به نفعش به صندوق ریخته شد، وزن می‌دهد؟

❧ اگر ۱۰ نفر را به بیشترین شناخت از ساخت قدرت در سپهر سیاست در این کشور فهرست کنیم، آقای روحانی قطعا یکی از آنهاست. ایشان با این شناخت، وزن رأیی که برایش به صندوق ریخته شد و اصولا وزن رای در ساخت قدرت در کشور را می‌داند. واقعیت این است که به غیر از رای، مبادی و کانون‌های قدرت دیگری وجود دارند که وزن آنها کمتر از وزن رای نیست. نقش توسعه

انسانی و حلول آن در کالبد نهاده‌های مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی مستقل و کارآمد خیلی تعیین‌کننده است. در پاسخ به یکی از پرسش‌های جناب‌عالی به واژه دولت به‌علاوه اشاره کردم و ارکان را برشمردم که با تکرار آن اطلاله کلام نمی‌کنم.

❧ موضوع دیگر به حضور دوستان و آشنایان و نزدیکان وزرا در سازمان‌های دولتی برمی‌گردد که مسبوق به سابقه است. اگر این اتفاق رخ دهد، چه تأثیرات سونی در توان دولت می‌تواند داشته باشد؟

بله، این آفت بزرگی است که کم‌وبیش گریبانگیر همه دولت‌ها چه قبل و چه بعد از انقلاب بوده است. پدیده شوم آقازاده‌ها و آقازادگی در دوره رژیم سابق، بعد از انقلاب هم احیا شد و حتی به باجناق‌بازی و عروس و داماد بازی هم گسترش یافت. شوربختانه دولت یازدهم هم از این آفت مصون نبوده است. اجازه دهید ابتدا بحثی کلامی داشته باشیم و سپس هشداری بدهم. در علم مدیریت وقتی صحبت از «سازمان رسمی» می‌شود،

به «سازمان غیررسمی» هم اشاره می‌کنند. سازمان رسمی به تشکیلی می‌گویند که طبق ضوابطی به وجود می‌آید و انجام وظیفه‌ای را که فلسفه وجودی آن است، هدف می‌گیرد. روابط غیررسمی و غیراداری کارگزاران سازمان رسمی و خانواده‌های آنان با یکدیگر، سازمان غیررسمی را شکل می‌دهد. گوآنکه این روابط تا حدی طبیعی است ولی اگر از آن حد گذشت، بالای جان سازمان رسمی می‌شود. دوم آنکه مایملک عمومی متعلق به عموم است و در جهت منافع آنان باید کارسازی شود. پست‌های حکومتی و دولتی مانند اموال عمومی است که به کلیه آحاد جامعه تعلق دارند. خصوصی نیستند و نوعا و ذاتا هم نمی‌توانند مشمول قانون خصوصی سازی شوند! بنابراین تنها به این دو دلیل هم که شده، وابستگی به وزیر و وکیل نه‌تنها موجب شایستگی برای احراز مناصب و مشاغل عمومی نمی‌شود، بلکه می‌تواند به طور مضاعف مشکل‌آفرین شود که باید نسبت به آن بیشتر محتاط بود. البته این را هم بگویم که اگر شایسته‌سالاری ملاک باشد، انصاف نیست کسی را به خاطر قرابت نسبی یا سببی با حاکمان و دولتمردان از تصدی مناصب عمومی محروم کنیم. اما بحث از این چیزها گذشته و تحلیل آماری داده‌های موجود دولت می‌دهد که دستگاه دیوانی کشور دچار فامیل و رفیق‌بازی، قبیله‌گرایی و پارتی‌بازی شده و سازمان غیررسمی تا حدودی بر سازمان رسمی محیط شده است. اینها علائم خطرناکی است که قطعا با شایسته‌سازی و الفبای مدیریت نوین و مؤلفه‌های دولت مدرن یا همان دولت به‌علاوه در تضاد است. به گمانم دولت دهم در این مورد رسالت سنگینی بر عهده دارد. این دولت باید به فساد از هر شکل و گونه‌ای که هست، اعلام مقابله دهد و از خود هم شروع کند. رخنه هزار فامیل در سازمان عمومی کشور به‌ویژه دستگاه‌های حاکمیتی و نظارتی، فامیل‌بازی و رفاقت‌سالاری مانند موربانه‌هایی هستند که اجزا را از درون می‌خورند تا حدی که چیزی از ارکان تشکیلات باقی نماند.

❧ برخی از کشورها ممکن است اوضاع سیاسی – اقتصادی شبیه ما را تجربه کرده باشند، اما در ادامه توانسته باشند خود را از آن اوضاع دور کنند. رمز توفیق این کشورها چیست؟ آیا ما هم می‌توانیم مثل آنها عمل کنیم؟ به‌عنوان مثال

می‌توان در این مورد از ترکیه یاد کرد. ببینید! اصولا با توجه به گوناگونی ساخت قدرت و بافت دیوان‌سالاری در کشورهای مختلف و تعریف و تعبیری که کشورها از منافع ملی خود دارند، نمی‌توان به منظور حل مشکلات مبتلا به آنها، حتی با موضوعیت واحد مثل همین فساد، به روشی واحد آسیب‌شناسی کرد و برایشان هم نسخه واحد پیچید. مثلا کشور نیجریه که شاید در رأس کشورهای جهان از حیث فساد اداری و مالی باشد، با پرونده‌ای روبه‌روست معروف به ۴۱۹ که مربوط به فریب جهانیان برای سرمایه‌گذاری در نیجریه به وسیله افرادی از این کشور است. جالب اینکه این پرونده کلاهبرداری در جهت منافع ملی نیجریه ارزیابی می‌شود، چراکه موجب ورود مبالغ هنگفتی ارز به این کشور شده است. ترکیه را مثال زدید. ترکیه عضو ناتو است. قوت‌نویز نیروی زمینی ناتو متعلق به این کشور است. این در حالی است که ما ناتو را بازوی جنگی نظام سلطه می‌دانیم. ترکیه خود را اروپایی می‌داند و برای عضوت در جامعه اروپایی، «له‌له» می‌زند و در عین حال هم‌زمان در این کشور حزبی با صبغه و گرایش مذهبی سر کار است که قاعدا آتش با اروپای لائیک در یک جوی نمی‌رود! اینها همه از پیچیدگی‌های سپهر سیاست در جهان کنونی حکایت می‌کنند و گواه این‌ها که وقتی جغرافیای یک کشور نیست، حتی اگر موضوع سخن هم یکی باشد، باز نمی‌توان نگاهی واحد داشت. ما ساخت سیاسی خاصی داریم که منحصربه‌فرد است. اقتصادمان رانتی است. دستگاه‌های نیم‌بند نظارتی‌مان دولتی است یا غیردولتی. مؤسسات پولی‌مان تا سی‌وچند درصد سود سپرده می‌دهند. بانک‌ها، مطالبات مشکوک‌الوصولشان را که از سرمایه‌شان جلو زده، جزء دارایی‌هایشان به حساب می‌آورند. سرمایه‌ها را فراری می‌دهیم. یک شبه، نصفه‌نیمه‌شدن ارزش پول ملی‌مان را شاهد می‌شویم و بعد از آن هم لثت و ربغ‌شدن آن را! رئیس بزرگ‌ترین بانک مملکت درحالی‌که باید امانت‌دار اعظم باشد، بزرگ‌ترین خیانت در امانت را می‌کند و فرار را بر قرار ترجیح می‌دهد. رئیس‌جمهور اسبق، این مقام را تدارکت جی می‌داند و رئیس‌جمهور سابق قاعل مایبشا می‌شود و هر کاری که می‌خواهد می‌کند و تیغش هم می‌برد؛ سازمان مدیریت کشور را منحل می‌کند، شورای پول و اعتبار را مرخص می‌کند، لایحه بودجه تک‌برگی می‌دهد و...؛ حتی اگر فرضا نیت خیر هم داشته باشیم، این رفتارها همگی بستر ساز فسادخیزی می‌شوند و با فساد سیستماتیک روبه‌رو می‌شویم که متأسفانه شده‌ایم؛ فسادی که فرایندی است. فساد سیستماتیک مقابله سیستماتیک می‌طلبد و این عزم و اراده ملی می‌خواهد.

گذر

آب؛ اهرم صلح یا عامل تنش؟

● با وجود روابط نسبتا مناسب و پیشگامی ایران در کمک به بازسازی افغانستان و حمایت‌های تاریخی نظیر پناهدادن به مهاجران افغان در کشور، برخی موارد اختلافی تعمیق همکاری‌ها میان دو کشور را تحت تأثیر قرار داده و مانع از برقراری روابط کاملا حسنه میان دو کشور می‌شود. یکی از موارد اختلافی حساس میان دو کشور از گذشته تا به امروز موضوع آب بوده است. به گزارش ایسنا، به علت پیوندهای عمیق فرهنگی، زبانی و دینی میان ایران و افغانستان نیز، ملت‌های دو کشور بیشتر تمایل به همکاری و صلح داشته‌اند. چنانچه وقتی مشکلات حادی برای همسایه ما در موضوع امنیت به وجود آمد، مردمان بسیاری از آن سوی مرزها به ایران پناه آورده و امنیت جان و مال خود را در ایران تأمین کردند. در موضوعات کلان نیز نقش ایران برای افزایش امنیت در افغانستان بسیار حیاتی و همواره سازنده بوده است. موضوع مهاجران افغان از بحث‌های همیشه داغ و مهم در روابط میان ایران و افغانستان بوده است؛ به‌طوری‌که این مسئله در سال‌های گذشته از دغدغه‌های اصلی مقامات دو کشور بوده است و هر دو طرف همواره از مزیت‌های این مسئله برای طرف مقابل یاد کرده‌اند و کمتر به مشکلات آن پرداخته‌اند. این در حالی است که منافع مشترک میان دو کشور موارد بسیار زیادی را شامل می‌شود و جمهوری اسلامی ایران بنا بر سیاست اصولی خود در برخورد مناسب با همسایگان همواره از هرگونه کمک به این کشور استقبال کرده و از کشورهای پیش‌قدم در بازسازی افغانستان بوده است. ایران اقعش‌شدنشان در تاریخ بوده- به خانواده‌های دانش‌آموزانی که در مدرسه ثبت‌نام کرده‌اند، نیز امتیاز کسب اقامت داده است که موجب استقبال زیادی از مهاجران شد؛ اما منافع قدرت‌های مداخله‌گر و بلندپروازی‌های دولت‌ها در دنیای واقعی در مواردی که از برخی عناصر حیات‌بخش مانند آب برای کسب قدرت و احراز هویت استفاده می‌کنند، چشم‌انداز صلح و همکاری را تیره کرده و امیدها برای زندگی سالم‌ت‌آمیز را کاهش می‌دهد. عملکرد دولت افغانستان نیز نشان می‌دهد که بیشتر بر مدار قدرت‌طلبی در داخل و قدرت‌نمایی در خارج حرکت می‌کند. اختلاف‌نظرهای عمیق و تاریخی بر سر آب رودخانه هیرمند، در‌حال‌حاضر با تأکید دو طرف بر اجرای صحیح قرارداد ۱۳۵۱ هیرمند تا حدودی فروکش کرده است؛ اگرچه درباره اجرای صحیح این قرارداد از سوی مقامات افغان نیز سؤالاتی مطرح می‌شود و بخشی از منافع ایران رسید، قربانی سیاست‌های قدرت‌های بزرگ در دوران نگرانی غرب از نفوذ کمونیست‌ها در افغانستان شده است؛ علاوه‌براین، در معاهده ۱۳۵۱ هیرمند، نیاز زیست‌محیطی تالاب‌های بین‌المللی هامون که میراث مشترک دو کشور است، دیده نشده است. در شرایط کنونی نیز افغان‌ها با توسعه زیرساخت‌های کنترل منابع آب در بالادست رودخانه هیرود و احداث سد سلما، باعث کاهش جریان ورودی به سمت ایران شده‌اند و با برنامه‌های آتی بیسم آن می‌رود که جریان آب به سوی بخش‌های شرقی کشورمان کاملا قطع شود. موضوعی که شاید خسارت بسیاری بر مردم شهرهای مهمی مانند مشهد تحمیل کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که افغان‌ها تاکنون درباره خفایه عرفی و قانونی ایران در رودخانه مشترک هیرود همکاری نکرده‌اند و عملا بیگیری‌های ایران نیز دراین‌باره بی‌نتیجه مانده است. همچنین افغانستان درباره ورود آب به تالاب‌های بین‌المللی هامون و حقایع این تالاب‌ها اهمال زیادی به خرج می‌دهد و عملا رسالت خود را به‌عنوان کشوری مهم برای حفاظت از محیط زیست منطقه و تالاب‌های بین‌المللی هامون به‌درستی انجام نمی‌دهد. در شرایطی که ایران تاکنون اقدامات مهمی در سطح بین‌المللی برای حفاظت از محیط زیست هامون انجام داده و عزم خود را در به‌نثر رساندن تالاب‌های هامون (واقع در خاک ایران) در کنوانسیون رامسر و نیز ثبت آن به‌عنوان ذخیره‌گاه زیست‌کره یونسکو به اثبات رسانده، افغانستان کمکمان تمایلی برای انجام یک اقدام مشترک و بین‌المللی برای حفظ این میراث مشترک انجام نداده است.



مهمت ارائه الکترونیکی اظهارنامه مالیات بر ارزش افزوده دوره بهار ۹۶ از طریق سامانه www.evaf.ir حداکثر تا ۱۵ تیر ماه سالجاری می باشد.

قابل توجه مودیان محترم مالیات بر ارزش افزوده

روابط عمومی سازمان امور مالیاتی کشور

۱۵۲۶ مرکز ارتباط مردمی

الف ۹۲۰